

ماهیت خسارت محرومیت از منافع اقتصادی از حیث عدم النفع یا ممکن الحصول بودن و شرایط احراز رابطه سببیت در خسارات اقتصادی زنجیره ای؛ واکاوی رای محاکم بدوی و تجدیدنظر استان اردبیل

**چکیده:** ماهیت خسارت ناشی از توقف فعالیت های بهره برداری از معادن، با توجه به اینکه صاحبان پروانه بهره برداری برای مدت محدود و معینی دارای حق انتفاع از معدن مربوطه هستند، از مصادیق خسارات ناشی از تفویت منافع ممکن الحصول محسوب می شود که ارزش خالص آن می بایست پس از کسر هزینه های قابل احتساب، به عنوان سود حسابداری مورد ارزیابی قرار گیرد. در خصوص خسارت ناشی از عدم بکارگیری و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات در جهت راه اندازی و تکمیل کارگاه تولیدی شن و ماسه در اثر ممانعت از تکمیل کارگاه، با توجه به اینکه تجهیزات و ماشین آلات مزبور دارای منافع از پیش مسلم، محقق (موجود) و مقتضی استیفا هستند، ممانعت از بکارگیری آنها موجب تفویت منافع ممکن الحصول تجهیزات و ماشین آلات به شمار می آید و در چهارچوب سود حسابداری پس از کسر هزینه های قابل احتساب در صورت استیفاء از آنها، قابل ارزیابی است. مگر آنکه بکارگیری آنها در فعالیتهای مشابه دیگر امری معقول، کم خطر، منطقی (قابل برنامه ریزی) و متعارف باشد که در پرونده مانحن فیه به دلیل پرهزینه و خطر پذیر بودن جابجایی ماشین آلات و تجهیزات و قابل پیش بینی نبودن مدت زمان ممانعت، میسر نمی باشد. در مقابل خسارت ناشی از محرومیت از تکمیل چرخه فرآوری تولید شن و ماسه، از نمونه های عدم النفع، سود اقتصادی و زنجیره پسین خسارت عدم استفاده از ماشین آلات به شمار می آید که به جهت احتمالی بودن ایجاد آن در آینده، قابل پیش بینی نبودن و عدم قابلیت انتساب عرفی ضرر به فعل زیان زننده قابل مطالبه محسوب نمی شود.

**واژگان کلیدی:** عدم النفع، ممکن الحصول، سود حسابداری، خسارت زنجیره ای، سود اقتصادی، هزینه فرصت

## **The nature of the damage of deprivation of economic profits in terms of loss of profit or possibility of obtaining it from the perspective of law and economics; Analysis of the verdicts of the primary and appeal courts of Ardabil province**

**Abstract:** The nature of the damage resulting from the cessation of mining activities, given that the owners of the exploitation license have the right to use the relevant mine for a limited and specific period, is considered an example of damage resulting from the loss of possible benefits, the net value of which should be evaluated as accounting profit after deducting the deductible costs. Regarding the damage resulting from the failure to use and depreciation of equipment and machinery in order to launch and complete the sand and gravel production workshop due to the prevention of the completion of the workshop, Given that the aforementioned equipment and machinery have certain, established (existing) benefits that must be realized, preventing their use is considered to be a loss of potential profits from the equipment and machinery, and can be assessed within the framework of accounting profit after deducting the costs that can be accounted for if they are realized. Unless their use in other similar activities is reasonable, low-risk, logical (plannable), and conventional, which is not possible in this case due to the high cost and risk of moving machinery and equipment and the unpredictability of the duration of the obstruction. In contrast, damage resulting from the deprivation of completing the sand and gravel production processing cycle is an example of loss of profit, economic profit, and the subsequent chain of damage from the lack of use of machinery, which is not considered recoverable due to the possibility of its occurrence in future, its unforeseeability, and the inability to rely on the customary law of the harmful act. In contrast, damage resulting from deprivation of completing sand and gravel production processing cycle is an example of loss of benefit, economic benefit, and the subsequent chain of damage from the lack of use of machinery, which is not considered recoverable due to the possibility of its occurrence in future, its unforeseeability, its inability to be attributed to the harmful act.

**Keywords:** loss of profit, possible benefit, accounting profit, chain loss, economic profit, Opportunity Cost

**مقدمه:** یکی از چالش‌های اساسی حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی ایران، تشخیص ماهیت و قابلیت مطالبه پذیری خسارات محرومیت از منافع اقتصادی است. در قوانین کشور از یک طرف تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارات ناشی از عدم النفع را قابل مطالبه نمی‌داند. بدون آنکه تعریف صریح و دقیقی از عدم النفع بنماید. در مقابل ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن، منافع ممکن الحصول را در صورت صدق اتلاف بر آن قابل مطالبه می‌شناسد. این قانون نیز تعریف و معیاری از منافع ممکن الحصول ارائه نداده است. مطالعه مبنای فقهی نیز حاکی از اختلاف نظر میان فقها در زمینه تشخیص برخی از مصادیق خسارات اقتصادی از حیث عدم النفع بودن یا تفویض منافع ممکن الحصول است. نکته قابل توجه این است که دانش اقتصاد نیز میان سود حسابداری و سود اقتصادی تمایز قائل است و تفاوت‌های میان مصادیق هزینه‌ها و فرصت‌های اقتصادی و سودآور قابل احتساب در هر یک از این دو نوع سود (حسابداری، اقتصادی) به مفاهیم حقوقی عدم النفع و ممکن الحصول و شاخص‌های محاسبه و شناسایی و تمایز بخشی میان آنها نزدیک است. در میان دکترین حقوقی نیز، اختلاف نظر در تعریف و شاخص‌های آن تا حدودی به چشم می‌خورد. ماحصل این اختلافات و ابهامات، صدور آراء متعارض و متعارض از سوی محاکم به دلیل تفاوت در معیارهای تشخیص و تمایز عدم النفع و منافع ممکن الحصول است. در این مقاله فعالیت بهره برداری از معدن به عنوان یکی از فعالیت‌های اقتصادی تولیدی و سودآور موضوع بحث می‌باشد. آراء انتخابی از محاکم بدوی و تجدیدنظر استان اردبیل صادر گردیده‌اند. انگیزه انتخاب این آراء تلاش ستودنی محاکم در شناسایی ماهیت خسارت‌های اقتصادی مورد مطالبه خواهان و احراز رابطه سببیت میان فعل خوانندگان و خسارات خواهان است. بدیهی است طرح اندازی و تحلیل هرچه بیشتر آراء و تفسیر مواد قانونی مرتبط می‌تواند زمینه تثبیت دکترین حقوقی و شکل‌گیری رویه قضایی یکسان در این قبیل دعاوی باشد. هدف اصلی این پژوهش نیز نیل به همین هدف است. در این راستا شرح ماوقعی از روند پرونده در مراحل بدوی و تجدیدنظر ارائه گردید. سپس به توصیف و گزارش آراء بدوی و تجدیدنظر و مبنای استدلالی آنها پرداخته شد. در فصل پایانی نیز آراء مربوطه از منظر حقوقی و اقتصادی مورد نقد قرار گرفت.

**شرح ماوقع:** خواهان پرونده شرکت س از سال ۱۳۹۷ دارای پروانه بهره برداری انتقالی معدن سنگ لاشه کالار و دارای جواز تاسیس مورخ ۱۴۰۰/۴/۳ نسبت به راه اندازی واحد صنعتی تولید مصالح (کارگاه شن و ماسه) از سازمان معدن و تجارت استان اردبیل می‌باشد. از سال ۱۳۹۹ تا زمان ارتکاب ممانعت در مورخه ۱۴۰۱/۲/۱۸، فعالیت استخراج سنگ لاشه معدن بصورت راکد بوده است. با این وجود معدن سنگ لاشه آماده بهره برداری تشخیص داده شده است. در مورخه ۱۴۰۰/۲/۱۸ در زمان احداث کارگاه شن و ماسه، خوانندگان پرونده با ایجاد مزاحمت مانع از انتقال کامل تجهیزات مورد نیاز خط تولید شن و ماسه گردیدند. با این ادعا که فعالیت معدنی خواهان موجب تخریب محیط زیست، انسداد نهر آب، خشکیدن باغات و درختان مزارع و منابع طبیعی اطراف می‌گردد. اصحاب این پرونده پیش از طرح دعوی ما نحن فیه مبادرت به طرح شکایات کیفری علیه یکدیگر نمودند. شکایت کیفری خوانندگان مبنی بر تخریب زمین زراعی و درختان با صدور رای از شعبه ۱۰۱ کیفری خلخال مورد پذیرش واقع نشده و رد گردید. در مقابل شکایت کیفری خواهان علیه خوانندگان مبنی بر ممانعت از حق با صدور رای قطعی از شعبه ۱۳ تجدیدنظر اردبیل منجر به محکومیت قطعی کیفری خوانندگان گردید. متعاقباً خواهان بر اساس رای محکومیت کیفری ممانعت از حق، مبادرت به اقامه دعوی حقوقی ما نحن فیه مبنی بر مطالبه خسارت ناشی از ممانعت از حق نمود. مصادیق خسارات مورد مطالبه شامل خسارت ناشی از توقف فعالیت بهره برداری از معدن استخراج سنگ لاشه از مورخه ۱۴۰۱/۲/۱۸ به مدت ۳۰ ماه و همچنین خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاك تجهیزات و ماشین‌آلات در اثر ممانعت از تکمیل کارگاه تولیدی شن و ماسه است. در دعوی ما نحن فیه دادگاه بدوی استحقاق خواهان به مطالبه خسارت و میزان خسارات وارده را به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع نمود. مطابق نظریه کارشناسی سه نفره با در نظر گرفتن فصل کاری ممکن برای فعالیت معدنی و با اعمال کسر هزینه‌های استخراج مواد معدنی، در صورت مهیا بودن شرایط کاری، خواهان می‌توانست از فروش مواد معدنی استخراجی، ۷ میلیارد ریال سود خالص به دست آورد. به عبارت دیگر کارشناسان رسمی دادگستری سود خالص از محل فروش معدن را با کسر هزینه‌های استخراج مورد محاسبه و ارزیابی قرار دادند. در باب خسارت ناشی از ممانعت از تکمیل و راه اندازی کارگاه شن و ماسه و مستهلک شدن منافع تجهیزات و ماشین

آلات، مطابق نظریه کارشناسان علی رغم برخورداری خواهان از جواز تاسیس کارگاه؛ به دلیل عدم تبدیل جواز به پروانه تاسیس بخاطر وجود معارض و عدم نصب و راه اندازی تجهیزات کارگاهی، خسارات عدم تولید شن و ماسه قابل محاسبه نیست لیکن با توجه به هزینه های صورت گرفته از سوی خواهان جهت تجهیز کارگاه، با توجه به اینکه سود ناشی از استخراج سنگ لاشه بسیار پایین بوده و خواهان به منظور سودآوری بیشتر قصد تجهیز کارگاه تولید شن و ماسه و تبدیل ماده خام سنگ لاشه به فرآورده تولیدی شن و ماسه را داشته است و همچنین با توجه به ممانعت خواندگان از انتقال تجهیزات خط تولید شن و ماسه به محل کارگاه و در نتیجه توقف اجرای پروژه در محل، عمل خواندگان موجب بلااستفاده و مستهلک شدن منافع تجهیزات و مستحدثات خواهان گردیده و مبلغ ۹ میلیارد ریال به عنوان خسارت محاسبه می گردد.

#### مشخصات رای بدوی:

شماره دادنامه: ۱۴۰۳۰۷۲۹۰۰۳۴۱۰۲۵۴

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۳/۹/۱۷

خواسته: مطالبه خسارت ناشی از ممانعت از بهره برداری از فعالیت استخراج سنگ معدن ۲- خسارات ناشی از عدم استفاده و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات کارگاه در حال راه اندازی شن و ماسه

خواهان: شرکت س

خوانده: آقایان ع.س، ش.ن، م.س، و سایر خواندگان

مرجع رسیدگی: شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی خلخال

**خلاصه رای:** در خصوص دادخواست شرکت س به طرفیت خواندگان، با عنایت به اینکه بهره برداری از معدن صرفاً در قالب استحصال لاشه سنگ معنا می یابد و در اثر توقف بهره برداری، هیچگونه کاهش فیزیکی یا کمبود در ذخایر معدنی ایجاد نشده تا موجب کسر دارایی خواهان گردد، لذا خسارت ادعایی از مصادیق خسارات قابل مطالبه محسوب نمی شود. ضمن اینکه نوسانات قیمت محصولات معدن به ویژه در شرایطی که روند قیمت ها عموماً افزایشی است، نه تنها زیان محسوب نمی شود بلکه می تواند جبران کننده هزینه های اضافی بهره برداری نیز باشد. در خصوص ادعای خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاک منافع تجهیزات و ماشین آلات در اثر ممانعت از تکمیل کارگاه شن و ماسه از نظر دادگاه، نظریه کارشناسی چالش برانگیز است زیرا عدم بهره برداری ناشی از عدم تکمیل زنجیره فرآوری در کارگاه شن و ماسه و همچنین دستور مراجع ذیربط برای توقف فعالیت به منظور کاهش تنشهای محلی بوده و بر همین اساس عدم استفاده از ماشین آلات قابل انتساب به خواندگان نیست. لذا به دلیل عدم احراز رابطه سببیت و فقدان نقش موثر خواندگان در تعطیلی کارگاه و امکان رفع دستور توقف از طریق مراجع قانونی و ارگان های مسئول، حکم بر بی حقی خواهان نسبت به هر دو خسارت صادر گردید.

#### مشخصات رای تجدیدنظر:

شماره دادنامه: ۱۴۰۴۰۷۳۹۰۰۲۳۳۸۱۱۶

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۴/۶/۳۱

خواسته: تجدیدنظرخواهی از رای محکومیت به بی حقی نسبت به خواسته مطالبه خسارت

### خلاصه رای:

اولا اگرچه خوانندگان در جریان رسیدگی با استناد به برخی مستندات، مدعی ورود خسارات زیست محیطی به اراضی و فضای روستایی معدن در اثر فعالیت های بهره برداری توسط خواهان شده اند، از آنجا که بهره برداری از معدن بر اساس مجوز رسمی صادره از سوی مراجع ذیصلاح (سازمان صمت و اداره کل منابع طبیعی) صورت پذیرفته است، لذا تا زمانی که مجوز بهره برداری معتبر است، مستندا به تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون معادن هیچ شخصی حق ممانعت از اجرای مفاد آن را ندارد و چنانچه مدعی ورود خسارتی باشند، راهکار صحیح اقامه دعوی صحیح جهت مطالبه خسارت زیست محیطی یا ابطال مجوز بهره برداری نزد مرجع صالح است نه توسل به اقدام خودسرانه ثانیا استدلال توقف فعالیت بهره برداری با دستور مراجع ذیربط به منظور کاهش تنشهای محلی، صحیح نیست زیرا منشا و علت ایجاد تنشها، اقدامات و مداخلات خوانندگان بوده که سبب نهایی صدور دستور توقف گردیده است. لذا نمی توان با استناد به دستور توقف مزبور، رابطه سببیت میان فعل خوانندگان و محرومیت خواهان از منفعت را منتفی دانست. کما اینکه رای قطعی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان نیز در پی شکایت کیفری خواهان علیه خوانندگان، وقوع بزه ممانعت از حق را محرز دانسته است. ثالثا اینکه «هیچگونه کاستی در حجم و میزان معدن ایجاد نشده»، نافی ورود زیان نیست زیرا خسارت مورد مطالبه متکی بر کاهش فیزیکی ذخایر معدنی نیست بلکه ناظر بر منفعت مشروع و بالفعل ناشی از بهره برداری در دوره مورد ادعا است که بر اساس نظریه کارشناسان، خواهان می توانست در این بازه زمانی، در صورت بهره برداری از معدن، سود خالص بالغ بر هفت میلیارد ریال تحصیل نماید و مبلغ یاد شده بنا بر اظهار کارشناسان بر مبنای سود خالص دوره محاسبه شده و ارزش اصل مواد معدنی در آن منظور شده است و صدور حکم به پرداخت این مبلغ (با فرض بقاء اصل مواد معدنی)، جبران مضاعف تلقی نمی شود. به عبارت دیگر معیار جبران در این پرونده، سود خالصی است که در صورت استمرار فعالیت قانونی قابل تحصیل بوده و با ممانعت خوانندگان از دست رفته است. بر همین اساس صرف باقی ماندن عین مال، نمی تواند نفی کننده ورود خسارت تلقی شود. لذا دادنامه بدوی در این قسمت نقض و خوانده به پرداخت هفت میلیارد ریال (خسارت ممانعت از بهره برداری از معدن) به استناد ماده ۱ ق.م.م و ماده ۱۴ ق.آ.د.ک محکوم گردید. اما در خصوص خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات در اثر ممانعت از تکمیل کارگاه شن و ماسه، تجدیدنظرخواهی وارد نیست زیرا ماشین آلات موضوع دعوا از نوع تجهیزات عمومی در صنعت معدن و ساخت و ساز بوده و به سهولت قابلیت بهره گیری در سایر پروژه ها و فعالیت های مشابه را دارا می باشد بنابراین فرض استهلاک ناشی از توقف بهره برداری در این پروژه خاص، به تنهایی نمی تواند موجب مسئولیت مدنی خوانندگان محسوب شود. لذا رای دادگاه بدوی در این خصوص تایید می گردد.

### ۱- گزارش توصیفی آراء بدوی و تجدیدنظر:

مطالعه دادنامه صادره از سوی شعبه دوم حقوقی خلخال و شعبه ۱۸ تجدیدنظر اردبیل حاکی از وجود دو نکته اساسی است: اول اینکه ماهیت خسارت ناشی از ممانعت و محرومیت از فعالیت اقتصادی بهره برداری از معدن سنگ لاشه و همچنین خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات و عدم استیفای منفعت از آنها چیست؟ دوم اینکه شرایط احراز رابطه سببیت میان فعل خوانندگان و دو خسارت مورد ادعا چگونه خواهد بود؟ در این قسمت به توصیف و تحلیل آراء بدوی و تجدیدنظر می پردازیم:

#### ۱-۱- گزارش تحلیلی و توصیفی رای بدوی:

۱-۱-۱: ماهیت خسارت های مورد ادعا: در خصوص خسارت ناشی از توقف فعالیت بهره برداری از معدن لاشه سنگ، از چشم انداز دادگاه بدوی، ماهیت خسارت ادعایی، خسارت وارده بر منفعت متصل است در نتیجه به جهت بقاء ذخایر معدنی موضوع استحصال و عدم اتلاف آنها، خسارتی وارد نشده است تا مورد جبران قرار گیرد. همچنین با توجه به بقای عین مورد ادعای خسارت و روند صعودی و افزایشی تورم در کشور و بالا رفتن بهای ذخایر معدنی در طول مدت توقف فعالیت، نه تنها خسارتی به خواهان وارد نگردیده بلکه شرایط کسب سود بیشتر نیز فراهم گردیده است.

در خصوص خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات کارگاه در حال راه اندازی و عدم استیفای منفعت از آنها در طول مدت توقف، دادگاه بدوی با عدول از نظریه کارشناسی و چالش برانگیز خواندن آن، با استدلالی مبنی بر فقدان رابطه سببیت میان فعل خواندگان و ضرر ادعایی و انتساب آن به دستور قانونی توقف صادره از سوی مراجع ذیربط و عدم تکمیل زنجیره فرآوری کارگاه شن و ماسه، خسارت مزبور را قابل مطالبه ندانسته است.

۱-۲-۱: شرایط احراز رابطه سببیت: اساس استدلال دادگاه بدوی بر این مسئله مبتنی است که علت اصلی توقف فعالیت بهره برداری خواهان، دستور توقف صادره از سوی مرجع ذیربط بوده است. ضرر ادعایی خواهان نیز پیامد توقف فعالیت بهره برداری است. در نتیجه میان فعل خوانده و ضرر خواهان نمی توان رابطه سببیت برقرار نمود. و از آنجا که مهمترین رکن تحقق مسئولیت مدنی، برقرار رابطه سببیت میان فعل خوانده و ضرر خواهان است، با احراز انتساب علت ضرر به فعل شخص ثالث و قطع رابطه سببیت، دعوای مطالبه مسئولیت مدنی جبران خسارت قابل اجابت نخواهد بود.

۱-۲-۲: گزارش تحلیلی رای تجدیدنظر:

۱-۲-۱: ماهیت خسارات مورد ادعا:

در باب ماهیت خسارت های مورد ادعا، دادگاه تجدیدنظر آن را نوعی خسارت وارده بر منفعت می انگارد. با این استدلال که صرف نظر از بقای عین (ذخایر معدنی)، خواهان در اثر توقف فعالیت بهره برداری، از سود خالص ناشی از استحصال مواد معدنی محروم گردیده است. به عبارت ساده تر از نقطه نظر دادگاه تجدیدنظر، صرف بقای عین (ذخایر معدنی) و عدم کاهش حجم و مقادیر آن به معنای عدم ورود خسارت به خواهان نیست چراکه خواهان می توانست در صورت عدم ممانعت خوانده و عدم توقف فعالیت خود، با استحصال مواد معدنی و فروش آن (با در نظر گرفتن سود خالص حاصل از فروش) به منفعتی علاوه بر اصل مال دست یابد. بر همین اساس دادگاه تجدیدنظر با استعلام مجدد از هیئت کارشناسان، مبلغ خسارت را سود خالص قابل تحصیل در اثر امکان فروش مواد با احتساب و کسر ارزش ناخالص مواد معدنی قابل استحصال و کسر سایر هزینه های استحصال برآورد نموده است.

در باب خسارت ناشی از عدم استفاده و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات، دادگاه تجدیدنظر به مانند دادگاه بدوی اما با استدلالی متفاوت بر عدم استحقاق خواهان نسبت به این خسارت نظر دارد. بدین ترتیب که از چشم انداز دادگاه تجدیدنظر صرف توقف راه اندازی کارگاه شن و ماسه، موجب تفویض منفعت ناشی از بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات کارگاه نمی شود. زیرا این تجهیزات و ماشین آلات در زمره تجهیزات عمومی شامل هرگونه فعالیت ساخت و سازانه محسوب می شوند و خواهان می توانست در طول مدت وقفه، از آنها در پروژه ها و فعالیت هایی غیر از کارگاه توقیف شده استفاده نماید و از اموال مزبور استیفای منفعت کند. بر همین اساس از نقطه نظر دادگاه تجدیدنظر به جهت انتساب تفویض منفعت به فعل زیان دیده (عدم بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات در فعالیتهای منفعت آور جایگزین)، رابطه سببیت میان فعل خواندگان (ممانعت از تکمیل کارگاه شن و ماسه) و خسارت زیان دیده محرز نمی باشد.

۱-۲-۲: شرایط احراز رابطه سببیت:

در خصوص خسارت اول (خسارت ناشی از توقف فعالیت بهره برداری از معدن)، از منظر دادگاه تجدیدنظر علت صدور دستور توقف فعالیت، اقدامات تنش آفرین خود خواندگان بوده است لذا صرف صدور دستور توقف از سوی یک مرجع، موجب قطع رابطه سببیت میان فعل خواننده و ضرر خواهان محسوب نمی شود. به عبارت دیگر از منظر دادگاه تجدیدنظر سبب صدور دستور توقف فعالیت از سوی یک مرجع، اقدامات و مداخلات تنش آفرین خواندگان بوده است. دستور توقف نیز علت تعطیلی فعالیت بهره برداری و ورود خسارت به خواهان محسوب می شود. نتیجه اینکه خسارت وارده به خواهان منتسب به فعل خواننده بوده و رابطه سببیت میان آنها برقرار است. در باب خسارت دوم استدلال دادگاه تجدیدنظر مبنی بر قابلیت بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات در فعالیتهای مشابه جایگزین جهت پرهیز از خسارت، لزوماً بیانگر عدم انتساب سبب زیان به فعل زیان دیده (خواهان) و عدم احراز انتساب آن به فعل زیان زنده (خواندگان) نیست زیرا ممکن است اساساً خواهان امکانی جهت تقلیل زیان از طریق بکارگیری تجهیزات در فعالیتهای سودآور دیگر نداشته باشد در حالیکه عملاً تقصیر خواننده موجب محرومیت خواهان از منافع تجهیزات مزبور گردیده است.

## ۲- نقد آراء بدوی و تجدیدنظر:

با توجه به اینکه از سوی دادگاه بدوی و تجدیدنظر، رویکرد تا حدودی مشابه به ماهیت خسارات محرومیت از استحصال لاشه سنگ دارند اما در نتیجه گیری در خصوص قابلیت پذیرش یا عدم پذیرش خسارات و شرایط احراز رابطه سببیت، تصمیم متفاوتی اتخاذ نموده اند، در همین راستا به نقد جداگانه هر یک از آراء خواهیم پرداخت. خاستگاه اختلاف میان شعبه بدوی و تجدیدنظر در شناسایی ماهیت خسارت های اقتصادی وارد بر منفعت از حیث گرایش به عدم النفع یا منافع ممکن الحصول است و این مفاهیم دارای معادلهای اقتصادی در علوم اقتصادی هستند، پیش از ورود به نقد آراء بدوی و تجدیدنظر بطور اجمالی به تحلیل حقوقی و اقتصادی این مفاهیم می پردازیم.

### ۲-۱: تحلیل مفاهیم عدم النفع و منافع ممکن الحصول در حقوق و اقتصاد:

#### ۲-۱-۱: نسبت خسارت های اقتصادی با عدم النفع و منافع ممکن الحصول در حقوق:

خسارت های اقتصادی در نظام کامن لا دربردارنده خساراتی است که بطور فیزیکی بر تمامیت جسمانی یا اموال اشخاص وارد نمی شود بلکه موجب تحمیل هزینه یا از دست رفتن سود مورد انتظار می شود. در باب مسئولیت مدنی ناشی جبران خسارت های اقتصادی در کامن لا، چنانچه این خسارات پیامد خسارتهای فیزیکی وارده بر تمامیت جسمانی یا اموال اشخاص باشد به عنوان خسارت اقتصادی تبعی قابل مطالبه خواهد بود لیکن چنانچه این قبیل خسارات پیامد خسارت های فیزیکی نباشد و رفتار ارتكابی از روی عمد نباشد، به عنوان خسارت های اقتصادی محض<sup>۱</sup> تلقی شده و اصولاً قابل مطالبه نیست. (موسوی، خزایی، دهقان، ۱۳۹۷؛ صص ۱۴۳-۱۴۴/حویزواوی، بذریچ، جلالی، ۱۴۰۳؛ صص ۳۳۵-۳۳۶). در پرونده معروف *Spartan Steel and Alloys v Martin & Co (Contractors) Ltd* (1973) که با دعوای موضوع این مقاله نیز تا حدودی مشابهت دارد، بی احتیاطی یکی از کارگران خواننده هنگام حفاری در جاده، موجب قطع کابل برق و قطع برق کارخانه خواهان گردیده بود و در نتیجه آن مواد گداخته شده موجود در دستگاه های خواهان دچار خسارت گردید و خواهان تا راه اندازی مجدد دستگاه، از سود ناشی از چهار گداخت بعدی نیز محروم گردید. دادگاه در این پرونده خسارت وارده به خود ماشین آلات، مواد موجود در دستگاه ها و سود ناشی از مواد تلف شده در دستگاه را قابل مطالبه دانست لیکن خسارت ناشی از محرومیت از سود چهارگداخت بعدی را نوعی خسارت اقتصادی محض تلقی نموده و قابل مطالبه تلقی ننمود. (موسوی، خزائی، ۱۳۹۷؛ صص ۱۴۴-۱۴۵)

در نظام فقهی و حقوقی ایران مفاهیم عدم النفع و منافع ممکن الحصول در خصوص خسارت های اقتصادی ناشی از محرومیت از منفعت یا سود بکار برده می شوند. در نظام فقهی محرومیت از منفعت چنانچه ناظر بر اتلاف، استیلا یا استیفای از عین مال یا کار دیگری باشد، به

عنوان تفویت منفعت قابل مطالبه است اما چنانچه خارج از مصادیق مذکور باشد، به عنوان عدم النفع شناخته می شود و قابل مطالبه نخواهد بود. (سکوتی نسیمی، شمالی، ۱۳۹۰: ص ۸۴-۸۸ / موسوی، خزائی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۶-۱۴۸) در نظام حقوقی ایران شاهد چالشی بنیادین در خصوص تعریف مفهوم و قلمرو شمول عدم النفع و منافع ممکن الحصول نزد حقوقدانان، قوانین و آراء قضایی هستیم. (میرشکاری، عبدی، ۱۴۰۲: ص ۱۹۲-۲۰۱) یکی از دلایل اصلی این اختلاف، عدم تعریف دقیق عدم النفع و منافع ممکن الحصول در قوانین جاری کشور است. در تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تعریفی از این دو اصطلاح به چشم نمی خورد. بلکه صرفاً به قابلیت یا عدم قابلیت مطالبه آنها مورد تصریح قرار گرفته است. آنچه می توان در خصوص مصادیق خسارات مورد ادعا در پرونده مانحن فیه و ارتباط آن با عدم النفع و منافع ممکن الحصول بیان نمود این است که بطور کلی منافع ممکن الحصول مطابق ماده ۱۴ ق.آ.د.ک، امری مسلم، محقق (از پیش موجود)، قطعی که اگر در اثر اتلاف، تسبیب، ید و یا تعدی و تفریط، از بین رود، به نحوی که بتوان ادعا نمود آنچه از دست رفته است، به مثابه مال موجود بوده است، از مصادیق تفویت منافع ممکن الحصول شمره می شود و قابل مطالبه است (میرشکاری، عبدی، ۱۴۰۴: ص ۳۸۲). در مقابل خسارات ناشی از ممانعت از ایجاد منفعت یا سود در آینده از قبیل از دست رفتن فرصت کسب سود حاصل از فروش یا فرصت تکمیل چرخه تحصیل سود و استحصال فرآوری از آن، خسارات ناشی از عدم بکارگیری اموال یا سود حاصل از آن در فعالیت های اقتصادی، بنا بر مصادیق و معیارهای مرسوم در فقه و حقوق ایران از نمونه های عدم النفع و در حقوق کامن لا از مصادیق خسارت های اقتصادی محض به شمار می آیند که در حوزه مسئولیت مدنی به دلیل محتمل بودن یا تکمیل نبودن مقتضی، محقق نبودن منفعت پیش از وقوع فعل زیانبار و ایجاد شدن انتظاری و احتمالی آن در آینده قابل مطالبه نیست (موسوی، خزاعی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۴-۱۴۷ / اصفری آق مشهدی، ۱۳۸۱: ص ۷۹-۸۲ / شهبازی، اکبری دهنو (۱۴۰۲): ص ۱۱۷-۱۲۰ / سکوتی نسیمی، شمالی، ۱۳۹۰): ص ۸۱-۸۴

#### ۲-۱-۲: سود حسابداری و سود اقتصادی در اقتصاد:

بنا بر طبقه بندی مرسوم در علم اقتصاد، سود قابل محاسبه در هر فعالیت اقتصادی به دو شیوه قابل محاسبه و ارزیابی است: سود حسابداری<sup>۱</sup> و سود اقتصادی<sup>۲</sup>. شاخص محاسبه سود حسابداری عبارتست از:

درآمد ناخالص به دست آمده - هزینه های آشکار<sup>۳</sup>: سود خالص. منظور از هزینه های آشکار شامل مصادیقی چون هزینه تهیه مواد اولیه، حقوق و دستمزد کارگران، هزینه حامل های انرژی، هزینه اجاره مکان تولیدی و دیگر هزینه های متحمل می شود (سلیمانی، معماریان ۱۳۹۱؛ ص ۷۷ / واعظ، بنابی قدیم، ۱۴۰۰: ص ۲۵-۲۸)

سود مرسوم و معیار محاسبه کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابرسی جهت محاسبه خسارت ناشی از تفویت منافع ممکن الحصول در فعالیت های اقتصادی، سود حسابداری است. در مقابل سود اقتصادی سودی است که علاوه بر محاسبه و کسر هزینه های آشکار، هزینه های پنهان<sup>۴</sup> را نیز مورد محاسبه قرار می دهد. هزینه های پنهان شامل فرصت های اقتصادی از دست رفته در اثر انتخاب فعالیت اقتصادی مورد بحث، هزینه استهلاک سرمایه و تجهیزات بکار رفته در طول مدت فعالیت، منافع ناظر بر حرفه و اموالی که مالکیت آن متعلق به بهره بردار است و در ارزیابی هزینه های آشکار، مورد محاسبه قرار نمی گیرد در صورتی که بکارگیری آنها در فعالیت دیگر می توانست منجر به کسب منفعت گردد. (سلیمانی، معماریان ۱۳۹۱؛ ص ۷۸ / واعظ، بنابی قدیم، ۱۴۰۰: ص ۲۵-۲۸).

1- Accounting profit

2- Economic profit

3- Explicit costs

1- Hidden costs

یکی از نمونه های هزینه های پنهان مورد محاسبه در ارزیابی سود اقتصادی، هزینه فرصت<sup>۱</sup> می باشد. در علم اقتصاد یک فرد یا بنگاه اقتصادی هنگام اتخاذ تصمیم گیری های اقتصادی نسبت، به دلیل محدودیت در منابع و زمان، از میان گزینه های انتخابی پیش رو دست به گزینش و انتخاب می زند. هزینه فرصت در این چهارچوب به معنای از دست دادن فرصت های قابل انتخاب دیگر در نتیجه انتخاب یک گزینه خاص است. نظیر انتخاب خرید ملک به جای سرمایه گذاری خرید سهام یک شرکت تولیدی. حال چنانچه سود ناشی از سرمایه گذاری خرید سهام بیشتر از سود ناشی از خرید ملک باشد، هزینه فرصت برابر با ما بالتفاوت سود بهترین گزینه انتخاب نشده و سود گزینه انتخاب شده خواهد بود. (میرمعزی، ۱۳۸۳: ص ۷۶-۷۷/لیبسی، ، هاربری، ۱۳۷۸: ص ۲۶-۲۹)، فرمول محاسبه هزینه فرصت عبارتست از: **بازدهی سودآورترین رفتار قابل انتخاب در زمان مربوطه- بازدهی رفتار اقتصادی انتخاب شده: هزینه فرصت.** در پرونده مانحن فیه آنچه به مقوله هزینه فرصت ارتباط دارد، فرصت محرومیت خواهان از بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات خود در فعالیتهای دیگر به جای تکمیل چرخه فرآوری تولید شن و ماسه است. بدین ترتیب چنانچه از منظر دادگاه تجدیدنظر، خواهان به دلیل ممانعت خواندگان از تکمیل کارگاه، فرصت و امکان معقول و بدون ریسک استفاده از این اموال در فرصت های اقتصادی دیگر را داشته باشد، می بایست از تحمل خودخواسته این هزینه فرصت اجتناب ورزد. لیکن چنانچه خواهان عملاً به دلیل ممانعت خواندگان و نامعقول بودن یا پر ریسک بودن جابجایی اموال برای فعالیتهای قابل انتخاب جایگزین، علاوه بر از دست دادن فرصت استیفای منفعت از گزینه انتخابی خود (سرمایه گذاری و تجهیز اموال خود در پروژه راه اندازی کارگاه شن و ماسه)، فرصت های سودآور قابل انتخاب دیگر را نیز از دست بدهد، پرسشی بنیادینی که در حقوق مطرح می شود این است که خواهان مستحق جبران کدام خسارت خواهد بود؟ خسارت بلااستفاده ماندن و تقویت منافع تجهیزات و ماشین آلات نسبت به رفتار اقتصادی انتخابی خود (تکمیل و راه اندازی کارگاه شن و ماسه) یا خسارت محرومیت از فرصت بکارگیری این اموال در گزینه های سودآور اقتصادی دیگر (هزینه فرصت) که در اثر فعل خواندگان پدید آمده است؟ به این پرسش در قسمت بعدی پاسخ داده خواهد شد.

۳-۲: نسبت عدم النفع و منافع ممکن الحصول با سود حسابداری و اقتصادی در خسارات موضوع پرونده:

در مقام مقایسه میان سود حسابداری و سود اقتصادی با مفاهیم عدم النفع و منافع ممکن الحصول از منظر نویسندگان می توان گفت سود حسابداری بیانگر محاسبه منافع قطعی و مسلمی است که در اثر فعل خوانده دچار تقویت شده است. اما اینکه بتوان سود اقتصادی را با مصادیق عدم النفع در حقوق منطبق دانست، محل چالش است. ممکن است گفته شود که خسارت از دست رفتن فرصت متفاوت از عدم النفع است. از نظر نویسندگان از دست رفتن فرصت بسته به مسلم بودن یا محتمل بودن فرصت از دست رفته می تواند حسب مورد نوعی منفعت ممکن الحصول یا عدم النفع باشد. همچنین ممکن است استدلال شود هزینه فرصت از چشم انداز حقوقی، اساساً خسارت نیست تا مشمول عدم النفع بودن قرار گیرد چرا در فرایند آغازین ورود به فعالیت اقتصادی است نه نتیجه نهایی آن. از نظر نویسندگان هدف از مطابقت هزینه فرصت و سود اقتصادی در اقتصاد با عدم النفع در حقوق، مشابهت هر دو از حیث احتمالی بودن و فقدان جنبه مسلم و محقق بودن آنها است. در نتیجه منظور نویسندگان از همخوانی سود اقتصادی با عدم النفع صرفاً از باب درجه احتمالی و نامحقق بودن آنها است. در قضیه مانحن فیه ما با دو دسته از خسارت مورد ادعا مواجهیم. در هر دسته از خسارتهای نوعی رابطه سلسله مراتبی با یکدیگر به چشم می خورد به نحوی که خسارت اول در هر دسته زمینه ساز خسارت های دوم و سوم گردیده است. به عبارت دیگر شکلی از خسارتهای زنجیره ای در دعوای مانحن فیه برقرار است. در باب قابلیت مطالبه خسارتهای زنجیره ای پس از خسارت نخستین و انتساب ضررهای پسین به فعل زیانبار نخستین از نقطه نظر رابطه سببیت، اختلاف نظر به چشم می خورد از یک منظر قابلیت مطالبه خسارتهای زنجیره ای پسین، منوط به عمدی بودن فعل نخستین موجب خسارت و یا قابل پیش بینی بودن خسارت های پسین برای مرتکب فعل نخستین است در مقابل از منظری دیگر در مسئولیت مدنی قابلیت استناد عرفی ملاک عمل است هر چند خسارت های پسین غیر محتمل

یا غیرقابل پیش بینی برای زیان زنده باشند و بر همین اساس عامل ایجاد حادثه، مسئول تمام پیامدها و خسارت های پسین خواهد بود مگر اینکه عوامل دیگری در تحقق خسارت های پسین موثر باشند به نحوی که موجب قطع رابطه سببیت میان زیان زنده نخستین و خسارتهای پسین شوند (بابایی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۷-۱۱۰) دسته اول ناظر بر خسارت هایی است که در اثر توقف بهره برداری از معدن سنگ لاشه به وجود آمده است. این خسارت دارای دو زنجیره خسارت است: نخست خسارت ناشی از عدم استحصال مواد معدنی در طول دوره توقف و محرومیت از سود خالص حاصل از فروش مواد معدنی در طول دوره توقف. دوم خسارات از دست رفتن فرصت استفاده از سود خالص حاصل از فروش در فعالیتهای اقتصادی.

دسته دوم خسارت ناشی از عدم بکارگیری و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات جهت تکمیل زنجیره فراوری در کارگاه شن و ماسه است. این خسارت نیز از دو زنجیره خسارت برخوردار می باشد: نخست خسارت ناشی از تفویت منفعت تجهیزات و ماشین آلات در طول دوره توقف و عدم تکمیل زنجیره فراوری در اثر عدم بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات و عدم راه اندازی کارگاه شن و ماسه. دوم خسارت ناشی از محرومیت خواهان از بکارگیری ماشین آلات و تجهیزات در فعالیتهای دیگر.

در قضیه مانحن فیه نیز می توان خسارت ناشی از عدم استحصال مواد معدنی (لاشه سنگ) در طول مدت توقف و خسارت ناشی از تفویت منافع تجهیزات و ماشین آلات در طول مدت توقف را در قالب منافع ممکن الحصول دانست و در چهارچوب سود حسابداری به محاسبه آن پرداخت. چراکه اولاً استحصال مواد معدنی با توجه به سابقه پیشین استحصال و فراهم بودن مقتضی قابل حصول می باشد. ثانیاً مواد معدنی موجود در معدن به عنوان منافع متصله معدن و قابلیت استفاده و استیفای منفعت از تجهیزات و ماشین آلات به عنوان منافع این اموال محسوب شده و به جهت اینکه پیش از توقف، محقق (موجود) و قطعی هستند، می توان آنرا در زمره منافع ممکن الحصول در نظر آورد. ثالثاً به جهت محدود بودن زمان بهره برداری، توقف فعالیت معدنی توسط خواننده موجب محرومیت خواهان از بخشی از فرصت زمانی خود جهت بهره برداری گردیده است. کارشناسان رسمی دادگستری نیز در این پرونده خسارت عدم استحصال مواد معدنی و محرومیت از سود خالص حاصل از فروش را مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان محاسبه کرده است. در باب خسارت ناشی از بلااستفاده و مستهلک شدن منافع تجهیزات و ماشین آلات، کارشناسان رسمی به درستی به ارزیابی این خسارت به مبلغ ۹۰۰ میلیون تومان پرداخته اند. همچنین این دو خسارت، نوعی خسارت نخستین محسوب می شوند که به لحاظ عمدی بودن فعل (جرم ممانعت از حق)، قابل پیش بینی بودن و قابل استناد بودن عرفی خسارت، رابطه سببیت میان فعل خوانندگان و این دو خسارت امری محرز است. در مقابل خسارت نوع دوم از هر دو دسته از خسارت (خسارت ناشی از دست رفتن فرصت استفاده از وجوه حاصل از فروش در امور اقتصادی، خسارت محرومیت خواهان از بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات در فعالیتهای دیگر) با توجه به نمونه های اشاره شده در کامن لا، نظام فقهی و حقوق ایران، به دلیل درجه احتمالی بودن انتخاب این فرصتها و همچنین احتمالی بودن سودآوری آنها و محقق (موجود) نبودن آنها پیش از وقوع فعل زیانبار، از مصادیق عدم النفع محسوب هستند که در نظام حقوقی ایران قابل مطالبه تلقی نمی شوند. ضمن اینکه این دو خسارت در زنجیره بعدی خسارات در هر دسته قرار می گیرند که از نقطه نظر قابل پیش بینی نبودن و عدم قابلیت استناد عرفی ضرر به فعل خوانندگان، قابل مطالبه محسوب نمی شوند. گفتنی است هیچیک از دو خسارت مزبور مورد مطالبه خواهان در دادخواست تقدیمی نیز نبوده است و این تحلیل این قسمت صرفاً من باب ماهیت این خسارات و قابل مطالبه پذیری آن از منظر حقوقی طرح گردیده است.

۲-۲: نقد آراء

۲-۲-۱: نقد رای دادگاه بدوی:

استدلال مطروحه از سوی دادگاه بدوی در عدم پذیرش هر دو خسارت از چند منظر قابل نقد است:

۱- مهمترین شاکل استدلالی دادگاه بدوی مبنی بر این است که خسارت ناشی از توقف فعالیت بهره برداری از معدن سنگ لاشه، قابل مطالبه نیست به جهت اینکه هیچگونه کاهش در حجم و میزان مواد معدنی رخ نداده است و به جهت عدم کسر هرگونه دارایی خواهان، خسارتی رخ نداده است که قابل مطالبه باشد. بر خلاف استدلال دادگاه محترم بدوی، صرف بقاء مواد معدنی در معدن به منزله عدم ورود خسارت نیست بلکه خواهان از منافع متصله معدن در طول مدت توقف محروم و متضرر گردیده است. به عبارت دیگر خسارت مورد مطالبه، خسارت ناشی از تفویض منفعت (صرف نظر از اینکه ماهیت خسارت وارده بر منفعت، نوعی منافع ممکن الحصول است یا عدم النفع) از منظر ماهیت حق بهره برداری از سنگ های معدنی، دارنده پروانه بهره برداری مطابق قانون معادن در طول مدت اعتبار پروانه خود دارای حق انتفاع از ذخایر معدنی در قالب استخراج لاشه سنگ و فروش آن است. براساس نظریه مشهور در فقه امامیه و اصل ۴۵ قانون اساسی، معادن جزو انفال و ثروت های عمومی به شمار آمده و در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه و وفق قوانین و مقررات حاکم نسبت به آن اعمال حاکمیت داشته باشد (امینی نسب، میرشکاری، ۱۳۹۸: ص ۲-۳). بر همین اساس دارنده پروانه مالک معدن در آن محسوب نمی شود. بلکه مستندا به ماده ۹ اصلاحی قانون معادن، دارنده پروانه بهره برداری صرفا دارای «حق انتفاع» است (امینی نسب، میرشکاری، ۱۳۹۸: ص ۵) لیکن به محض استحصال مواد معدنی، مالک مواد معدنی استخراجی محسوب می شود و حق فروش آنها خواهد داشت.

۲- استدلال به عمل آمده از سوی دادگاه بدوی مبنی بر عدم کاهش ذخایر معدنی در اثر توقف فعالیت بهره برداری و در نتیجه عدم کسر از دارایی خواهان، با ماهیت قرارداد و پروانه بهره برداری از معدن ناسازگار است چراکه پروانه بهره برداری از معدن مطابق ماده ۹ اصلاحی قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ برای مدت معینی اعتبار دارد. به عبارت دیگر حق انتفاع دارنده پروانه از معدن دارای مدتی معین و محدود است. بر همین اساس هر گونه توقف در فعالیت بهره برداری، موجب فوت زمان و کاهش فرصت بهره برداری از معدن برای دارنده خواهد بود. نتیجه ضروری و اجتناب ناپذیر کاهش مدت بهره برداری، کاهش امکان و میزان استخراج مواد معدنی خواهد بود. روشن است که کاهش میزان بهره برداری، به منزله کاهش کسب درآمد و در نتیجه بروز ضرر برای دارنده پروانه خواهد بود. در قضیه مانحن فیه رفتار خواننده در توقف فعالیت بهره برداری، عملا خواهان را به مدت ۳۰ ماه از فرصت محدود و موقت بهره برداری خود محروم نموده است. لذا استدلال عدم کاهش ذخایر معدنی با ماهیت موقت و زمان-مند قرارداد بهره برداری از معدن همخوانی ندارد.

۳- استدلال دادگاه بدوی در رد خسارت وارده به منافع تجهیزات و ماشین آلات در اثر ممانعت از تکمیل کارگاه بر پایه عدم احراز رابطه سببیت است. بدین ترتیب که به دلیل انتساب آن به دستور قانونی توقف صادره از سوی مراجع ذیربط و عدم تکمیل زنجیره فرآوری کارگاه شن و ماسه و مهیا نبودن شرایط استفاده از ماشین آلات، رابطه سببیت میان فعل خواننده و ضرر خواهان برقرار نیست. در نتیجه به جهت فقدان یکی از ارکان مسئولیت مدنی، خواهان مستحق دریافت جبران خسارت نمی باشد. در نقد استدلال مطروحه می توان گفت همانطور که در رای دادگاه تجدیدنظر نیز به درستی منعکس گردیده است، به دنبال مداخله فیزیکی و تنش آفرینی خواننده در جلوگیری از فعالیت بهره برداری خواهان و طرح شکایت کیفری از سوی خواهان علیه خواننده مبنی بر ممانعت از حق، به منظور کاهش تنش، دستوری مبنی بر توقف فعالیت بهره برداری تا زمان روشن شدن نتیجه شکایت کیفری صادر گردید. به عبارت دیگر منشا و علت صدور دستور توقف، اقدام خودسرانه و خلاف قانون خواننده در ممانعت از فعالیت بهره برداری و ایجاد تنش بوده است. همچنین، مستنبط از ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، با عنایت به اینکه نتیجه شکایت کیفری ممانعت از حق، منجر به محکومیت قطعی خوانندگان در پرونده کیفری گردیده است و دستور توقف نیز در جریان این شکایت کیفری بنا به رفتار خوانندگان صادر گردیده است، بر همین اساس با اخذ وحدت ملاک از ماده ۳۲۳ ق.آ.د.م، طرح دعوی حقوقی مطالبه خسارت ناشی از ممانعت از حق به پشتوانه محکومیت قطعی کیفری به ممانعت از حق و آثار زیان بار دستور توقف فعالیت صادره در دعوی کیفری، قابل استماع به نظر می رسد. بدین ترتیب رابطه سببیت میان فعل خوانندگان (ممانعت از بکارگیری تجهیزات و ماشین آلات جهت راه اندازی کارگاه شن و ماسه) و ضرر خواهان (بلااستفاده شدن و استهلاک تجهیزات و ماشین آلات ناشی از توقف فعالیت) برقرار است.

۴- استدلال رد خسارت وارده به خواهان در اثر بلااستفاده شدن و استهلاك تجهيزات و ماشين آلات به دليل عدم تكميل زنجيره فراوري كارگاه شن و ماسه و مهيا نبودن شرايط استفاده از تجهيزات و ماشين آلات، از منظر نويسنده قابل نقد است. هرچند كارگاه شن و ماسه هنوز به مرحله راه اندازي و تبديل ماده خام سنگ به فراورده شن و ماسه نرسيده است و شرايط استيفاي منفعت از كارگاه در زمان ممانعت فراهم نبوده است، با اين وجود وضعيت عدم راه اندازي كارگاه صرفاً مانع مطالبه خسارت ناشي از تاخير در راه اندازي و سود احتمالي ناشي از توليد و فروش شن و ماسه در صورت تكميل شدن خواهد بود چراكه در اين حالت به دليل عدم راه اندازي و تكميل چرخه تبديل ماده خام به فراورده، مساله منافع كارگاه از مصاديق عدم النفع و مستندا به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آيين دادرسي مدني به دليل عدم تكميل زنجيره فراوري (استدلال مورد نظر دادگاه بدوي) قابل مطالبه نيست. اما خواسته خواهان خسارت ناشي از محروميت از منافع كارگاه نيست بلكه خسارت ناشي از بلااستفاده ماندن منافع تجهيزات و ماشين آلات در اثر ممانعت از تكميل تجهيزات مورد نياز كارگاه است. بر همين اساس با توجه به قطعي و محقق بودن قابليت استيفاي منفعت از ماشين آلات و تجهيزات، اقدام خواندگان موجب تفويت منافع ممكن الحصول تجهيزات و ماشين آلات اختصاص داده شده در محل محسوب مي شود كه مستندا به ماده ۱۴ قانون آيين دادرسي كيفري قابل مطالبه خواهد بود.

## ۲-۲: نقد رای دادگاه تجدیدنظر:

استدلال دادگاه تجدیدنظر در پذيرش خسارت ناشي از توقف فعاليت بهره برداري معدن سنگ لاشه و عدم پذيرش خسارت ناظر بر عدم بكارگيري و استهلاك تجهيزات و ماشين آلات در كارگاه در حال راه اندازي از چند منظر قابل بررسي و نقد است:

۱- دادگاه تجدیدنظر به درستي، ماهيت خسارت ناشي از توقف فعاليت بهره برداري را خسارت وارد بر منفعت تلقی می کند. در ادامه اين دادگاه با شناسايي ماهيت خسارت ناشي از توقف فعاليت بهره برداري به مثابه تفويت منافع ممكن الحصول (مستندا به ماده ۱۴ قانون آيين دادرسي كيفري) مبادرت به استعمال مجدد از هيئت كارشناسي جهت محاسبه سود خالص قابل محاسبه در صورت انجام فعاليت بهره داري از معدن در صورت عدم توقف می نمايد. بدین ترتيب كه كارشناس با محاسبه و كسر ارزش خام مواد معدني قابل استخراج در طول مدت توقف و ساير هزينه ها، سود خالص قابل تحصيل در اثر فروش مواد خام استخراج شده را برابر با هفت ميليارد ريال ارزيابي می کند. بدین ترتيب دادگاه تجدیدنظر بر خلاف دادگاه بدوي به صرف بقاء و عدم کاهش ذخاير مواد معدني، خواهان را از ورود خسارت و استحقاق جبران آن محروم نمی کند.

۲- استدلال دادگاه تجدیدنظر در عدم پذيرش خسارت ناشي از بلااستفاده شدن و استهلاك منافع تجهيزات و ماشين آلات به دليل امكان پذيري بكارگيري اين اموال در فعاليت های عمراني ديگر از چند منظر قابل نقد است:

اولاً ارتباط رای صادره با تمایز میان سود حسابداری و سود اقتصادی و هزینه فرصت، این است كه دادگاه تجدیدنظر خسارات ناشي از عدم استفاده و استهلاك تجهيزات و ماشين آلات را به دليل امكان بكارگيري آن در فرصتها ( فعاليتهاي) اقتصادی ديگر در طول مدت توقف قابل مطالبه نمی داند. به عبارت ديگر در فرض امكان پذيري جلوگيري از تحمل هزينه فرصت و امكان انتخاب گزینه های سود آور ديگر، يك انسان اقتصادی<sup>۱</sup> بنا بر نظريه انتخاب عقلاني<sup>۲</sup> می بايست گزینه های (فرصت) سودآور ديگر را انتخاب کند. همچنين از منظر ديگر اقتصادی، علت عدم پذيرش اين خسارت صرفاً می تواند به اين دليل باشد كه در محاسبه سود خالص توليد شن و ماسه (در صورت عدم توقف)، هزينه استفاده و استهلاك ماشين آلات (شامل استهلاك سرمايه در طول مدت فعاليت و ارزش منافع ماشين آلات كه بصورت رايگان در فعاليت مورد استفاده قرار گرفته است و منافع آن در جايي ديگر استيفاء نشده است) می بايست به عنوان هزينه های پنهان در ارزيابي نهايي سود خالص محاسبه شود. به نحوی كه بهای تعيين شده و سودآور فرآورده استخراجی می بايست پس از ملاحظه اين قبيل

1- Homo Economicus

2- Rational choice theory

هزینه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. در حالی که در قضیه مانحن فیه اساساً کارگاه شن و ماسه به دلیل ممانعت خوانندگان از انتقال سایر تجهیزات و عدم تکمیل زنجیره فرآوری منتهی به بهره برداری و تولید نگردیده است. همانطور که در نقد رای دادگاه بدوی گفته شد، هرچند مطالبه تفویض منافع کارگاه در حال راه اندازی به دلیل تاخیر در تکمیل زنجیره فرآوری می‌تواند مصداق عدم النفع تلقی شود، با این حال پیامد محسوس و عملی ممانعت از حق، تفویض منافع تجهیزات و ماشین آلات در اثر توقف فرایند تجهیز و تکمیل کارگاه است. به عبارت دیگر خوانندگان با جلوگیری از تکمیل کارگاه و ممانعت از انتقال برخی تجهیزات مورد نظر خواهان، موجب معطل ماندن و تفویض منافع تجهیزات و ماشین آلات در فعالیت اقتصادی انتخابی خواهان گردیده‌اند. این خسارت از مصادیق تفویض منافع ممکن الحصول محسوب می‌شود و در چهارچوب سد حسابداری نیز قابل محاسبه است. لیکن خسارت محرومیت از فرصت بکارگیری این اموال در فعالیتهای سودآور دیگر (خسارت هزینه فرصت)، با توجه به احتمالی بودن گزینش فرصتهای دیگر، احتمالی بودن سودآوری آنها و محقق نبودن آنها پیش از وقوع فعل زیانبار، از نمونه های عدم النفع محسوب شده و در حال حاضر در نظام حقوقی ایران قابل مطالبه نیست.

ثانیا استدلال دادگاه تجدیدنظر مبنی بر قابلیت استفاده از منافع تجهیزات و ماشین آلات در دیگر پروژه‌ها و فعالیت‌های ساخت و سازانه مشابه در طول مدت توقف، بیانگر استناد به قطع رابطه سببیت میان فعل خواننده و ضرر خواهان و انتساب ضرر به فعل زیان دیده (خواهان) به دلیل عدم بکارگیری ماشین آلات خود در فعالیت‌های دیگر است. به عبارت دیگر از منظر دادگاه، خواهان موظف بود به منظور اجتناب از ضرر به منافع خود و تحمل هزینه فرصت، تجهیزات و ماشین آلات مانحن فیه را از مکان و فعالیت اختصاص داده شده جابجا نماید و به کسب درآمد از این اموال در فعالیت‌های دیگر همت گمارد. عمق استدلال مطروحه، پرسش بنیادینی در زمینه مبانی مسئولیت مدنی و رابطه سببیت مطرح می‌نماید: خاستگاه و منشا ایجاد چنین تکلیفی (لزوم اجتناب از ضرر به منفعت با بکارگیری مال منفعت آور در فعالیتی دیگر) چیست؟ بدیهی است در حالتی که فعل زیانبار فرد الف می‌تواند موجب کاستن از دارایی یا تمامیت جسمانی فرد ب شود، فرد ب به منظور پیشگیری از کاسته شدن دارایی، موظف به اجتناب از ضرر است. مانند مصادیق مندرج در مواد ۵۰۷ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی که در صورت مواجهه زیان دیده با فعل غیرمجاز مستعد کاهش دارایی، در صورت برخورداری از فرصت و امکان اجتناب، مکلف به اجتناب از ضرر است. (کشاورز، ۱۴۰۳: ص ۲۳۲-۲۳۵). بطور کلی در نظامهای حقوقی مختلف نظیر نظام فقهی و نظام کامن لا و حقوق ایران، در زمینه اجتناب از وقوع ضرر یا تشدید آن قواعدی نظیر قاعده تقلیل خسارت<sup>۱</sup> و قاعده آخرین فرصت اجتناب از ضرر<sup>۲</sup> برقرار است (شعاریان، مولایی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۲/ محمدی رمقانی، کشاورز صفی‌ئی، ۱۴۰۲: ص ۲۴۷-۲۴۸، ۲۶۱-۲۵۶-۲۶۴). چنانچه قاعده اجتناب از ضرر یا تقلیل خسارت را علاوه بر کاهش عین یا تمامیت جسمانی شامل جلوگیری از تقلیل منفعت نیز دانیم، مبانی استدلالی دادگاه تجدیدنظر درست به نظر خواهد آمد مشروط بر اینکه امکان اجتناب از ضرر به منفعت در موقعیت ما نحن فیه از طریق بکارگیری در سایر فعالیتهای سودآور، امری معقول، متعارف و بدون خطر باشد. با این وجود دادگاه محترم تجدیدنظر جابجایی تجهیزات و ماشین آلات از محل توقف به اماکن دیگر جهت پرهیز از تفویض منافع اموال مزبور را به نحو پیش فرض، امری معقول، و بدون خطر و کسب منفعت از آنها در آن برهه زمانی در فعالیتی دیگر را امری ممکن الحصول شمرده و بررسی دقیقی نسبت به امکان پذیری این مساله به عمل نیاورده است. در حالی که احتمال کسب منفعت از راههای جایگزین هم امری احتمالی و هم مستعد خطر بروز خسارت می‌تواند باشد. زیرا مالک بر مبنای برنامه ریزی، اموال و تجهیزات خود را برای هدفی معین تخصیص داده است و ممکن است اساساً پروژه یا فعالیت مشابه در مکان دیگر نداشته باشد که بخواهد از این اموال در آن فعالیت‌ها استفاده کند. ضمن اینکه با توجه به معلوم نبودن و قابل پیش بینی نبودن دقیق مدت زمان استمرار ممانعت، امکان برنامه ریزی برای مالک جهت استفاده از تجهیزات و ماشین از طریق واگذاری منافع آنها به اشخاص دیگر میسر به نظر نمی‌رسد. بر همین اساس از منظر نویسنده، استدلال دادگاه تجدیدنظر در رد خسارات

1-Mitigation of Damage

2- Last Clear Chance of Loss Avoidance

ناشی از عدم استفاده و استهلاک ماشین آلات و تجهیزات به دلیل معقول نبودن و ریسک پذیر بودن جابجایی تجهیزات و ماشین آلات و ممکن نبودن تصمیم گیری جهت فعالیت جایگزین به دلیل قابل پیش بینی نبودن مدت زمان ممانعت، قابل پذیرش به نظر نمی رسد.

### نتیجه گیری و جمع بندی تحلیل و نقد آراء:

به دلیل ابهام در تعریف و شاخص های تمایز میان خسارات عدم النفع و منافع ممکن الحصول در قوانین و دکترین، رویه قضائی متهافت و متعارضی در این زمینه پدیدار گشته است. در پرونده مانحن فیه نیز شاهد اختلاف بنیادین میان دادگاه بدوی و تجدیدنظر در باب شناسایی ماهیت خسارت های اقتصادی و شرایط احراز رابطه سببیت در این قبیل خسارت ها هستیم. از واکاوی در موضوع پرونده می توان به این نتیجه رسید که دو نوع خسارت در پرونده مذکور مورد رسیدگی قرار گرفته است. خسارت نخست ناشی از ممانعت و توقف فعالیت بهره برداری از معدن استخراج سنگ لاشه که منتهی به محرومیت از سود حاصل از فروش مواد معدنی قابل استحصال در طول دوره توقف مگردیده است. از منظر نویسندگان به دلیل قابل انتظار و حصول بودن، قابل پیش بینی بودن و قابلیت استناد عرفی به فعل خواندگان، نوعی منفعت ممکن الحصول قابل مطالبه به شمار می آید. این خسارت از سوی دادگاه تجدیدنظر مورد پذیرش و صدور حکم قرار گرفت. لیکن دادگاه بدوی به جهت بقاء مواد معدنی در معدن مزبور، قائل به ورود خسارت و مطالبه آن نبود. خسارت دوم ناشی از بلا استفاده ماندن و استهلاک منافع تجهیزات و ماشین آلات در اثر ممانعت از تکمیل زنجیره فرآوری و راه اندازی کارگاه تولیدی شن و ماسه است. خسارت مذکور از سوی دادگاه بدوی و تجدیدنظر پذیرفته نشد. از نظر نویسندگان این خسارت به جهت محقق (موجود) بودن و فراهم بودن مقتضیات استیفای منفعت پیش از فعل زیانبار، مصداق منافع ممکن الحصول و قابل مطالبه محسوب می شود مگر اینکه امکان اجتناب از ضرر و جلوگیری از تقلیل منافع با بکارگیری معقول، بدون ریسک و قابل برنامه ریزی این اموال در فعالیتی جایگزین میسر باشد. هیئت کارشناسی پرونده نیز، ارزش منافع مزبور را ۹ میلیارد تومان برآورد نمودند. ضمن اینکه به لحاظ عمدی بودن جرم ممانعت از حق، قابل پیش بینی بودن و نیز قابلیت استناد عرفی میان فعل خواندگان و این خسارت، رابطه سببیت نیز محرز به نظر می رسد.

خسارت دیگری که مورد خواسته خواهان نبوده است و زنجیره بعدی خسارت دوم است، مطالبه خسارت محرومیت از راه اندازی کارگاه و تولید شن و ماسه می باشد. این خسارت از نظر نویسندگان به لحاظ ماهیتی از مصادیق عدم النفع و سود اقتصادی بوده و از نقطه نظر رابطه سببیت نیز قابل پیش بینی یا قابل استناد عرفی نیست. از منظر هیئت کارشناسی پرونده نیز این خسارت، قابل محاسبه شناخته نشد. محاکم بدوی و تجدیدنظر نیز خواهان را مستحق این خسارت نشناختند. بطور خلاصه با توجه به گستردگی نمونه های خسارت مشمول عدم النفع یا ممکن الحصول و قابلیت طرح آن در دعاوی مسئولیت مدنی و قراردادی، ضروری است قانونگذار یا هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور شکل گیری رویه ای واحد در رسیدگی های قضایی، نسبت به تعریف دقیق و ارائه شاخص های مناسب جهت تشخیص و تمایز این دو دسته از خسارات با وضع قانون یا صدور رای وحدت رویه، اقدام نماید.

### فهرست منابع:

اصفری آق مشهدی، فخر الدین (۱۳۸۱)، "خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی مصوب ۱۹۸۰" مجله نامه مفید، شماره ۲۹، صص ۷۷-۹۴

امینی نسب، حمزه & میرشکاری، عباس (۱۳۹۸) "ماهیت و اوصاف قرارداد بهره برداری از معدن"، فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱۳۹۸، ۲، صص ۱-۱۰

بابایی، ایرج (۱۳۹۴)، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، تهران، انتشارات میزان

حویزروی علیرضا، بذریچاچ حمید، جلالی حسین (۱۴۰۳) "بررسی خسارات اقتصادی محض در حقوق ایران، انگلیس و مصر". **مطالعات فقه اقتصادی**؛ ۶ (شماره ۵): صص ۳۲۹-۳۴۴.

سکوتی نسیمی، رضا، شمالی، نگار. (۱۳۹۰). 'جایگاه عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران'، **مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، ۲(۲)، صص ۷۹-۹۸

سلیمانی اعظم، معماریان شجاع (۱۳۹۱). "رابطه سود اقتصادی و سود حسابداری با حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های برتر پذیرفته شده در بازار سرمایه تهران". **مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی)**؛ ۱۲ (۷ و ۸): ۷۵-۹۲

شعاریان، ابراهیم، مولایی، یوسف. (۱۳۹۰). 'مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت'، **مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، ۲(۲): صص ۱۳۱-۱۵۵

شهبازی محمد حسین، اکبری دهنو میثم، حاجیان هانی. (۱۴۰۲). 'مطالعه تطبیقی عدم‌النفع در فقه و قوانین آیین دادرسی ایران'، **مجله حقوقی دادگستری**، ۸۷(۱۲۱): صص ۱۱۵-۱۴۴

کشاوری، اسماعیل (۱۴۰۳) **حقوق مسئولیت مدنی**، تهران، انتشارات امجد، ۱۴۰۳

لیپسی، ریچاردجی، هاربری، کالین (۱۳۷۸)، **اصول علم اقتصاد**، ج اول، مشهد، نشر نیکا

محمدی رمقانی، حسن، کشاوری صفی‌ئی، اسماعیل. (۱۴۰۲). 'نظریه «آخرین فرصت اجتناب از ضرر» در حقوق ایران؛ با نگاهی به کامن لا و نظام فقهی'، **مطالعات حقوقی**، ۱۵(۴): صص ۲۳۹-۲۷۰

موسوی، سیدمحمدصادق، خزایی، سید علی، دهقان، سید هادی (۱۳۹۷). "بررسی تطبیقی «خسارت اقتصادی» و «عدم‌النفع» پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۳۹۷؛ ۵(۲): ۱۳۹-۱۷۰

میرشکاری عباس، عبدی مونا. (۱۴۰۲). 'نمایز عدم‌النفع و تفویض منفعت: با تأکید بر نقد و تحلیل دادنامه‌های شماره شعبه ۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران و شعبه ۸۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران'، دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، ۲(۳): صص ۱۹۲-۲۱۷. Doi: 10.22034/analysis.2023.2005306.1015

میرشکاری عباس، عبدی مونا. (۱۴۰۴). 'انتظار یا اعتماد: تحلیل آراء صادره در یکی از پرونده‌های شرکت خدمات ارتباطی در خصوص ضابطه ارزیابی خسارت عدم‌النفع'، دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، ۴(۸): صص ۳۶۱-۴۰۴. Doi: 10.22034/analysis.2025.2073654.1123

میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۳). 'هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی'، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴(۱۶): صص ۷۵-۹۷

واعظ سید علی، بنابی قدیم رحیم (۱۴۰۰). 'کیفیت سود: چالش بزرگ حسابداری'، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، ۱۰(۳۸): صص ۲۳-

Amini, H., Mir shekari, A. (2019). 'The nature and characteristics of the exploitation contract of mine', Civil Law Knowledge, 8(2), pp. 21-11. doi: 10.30473/clk.2019.27564.1958 [In Persian]

Asghari ghmashhadi F. (2021). 'LOSS OF PROFIT IN IRANIAN LAW AND 1980 INTERNATIONAL SALE OF GOODS CONVENTION', Journal of Comparative Law, 0(2), pp. 77-94. [In Persian]

Babaei, Iraj (2015), Tort Law, Tehran, Mizan Publications [In Persian]

Hovizawy A., Bazrpach H., jalali H. (2024). 'Examining pure economic damage in the laws of Iran, England and Egypt', Strategic Studies of Jurisprudence and Law, 6(special issue), pp. 329-344. doi: 10.22034/ejs.2024.446353.1721 [In Persian]

Keshavarz, Ismail (1403) Civil Liability Law, Tehran, Amjad Publications [In Persian]

Mirmoezi, Seyyed Hossein (2004). 'Opportunity Cost of Investment in Islamic Economics' ", Islamic Economics, 4(16), pp. 75-97. [In Persian]

Mirshekari., Abdi M. (2026). 'Expectation or Reliance: An Analysis of the Arbitration and Judicial Decisions in a Telecommunication Services Case Regarding the Criteria for Evaluation of Lost Profit', The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions, 4(8), pp. 361-404. doi: 10.22034/analysis.2025.2073654.1123 [In Persian]

mirshekari A., Abdi M. (2023). 'Distinction between Loss of Profit and Destruction of benefit: With an Emphasis on Critique and Analysis of the Judgments Rendered by Branch 20 of the Tehran General Civil Court and Branch 80 of the Appellate Court of Tehran Province', The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions, 2(3), e707626. Doi: 10.22034/analysis.2023.2005306.1015 [In Persian]

mohamadi ramghani, H., keshavarz safi yi, S. (2023). 'Examination of the Last Clear Chance Doctrine in Iranian Law in Comparison with Common Law and Jurisprudential Systems', Journal of Legal Studies, 15(4), pp. 239-270. doi: 10.22099/jls.2023.44033.4750 [In Persian]

mousavi, S. M. S., Khazaei, S. A., Dehghan, S. H. (2018). 'A Comparative Study of "Economic Loss" and "Loss of Profit"', Comparative Studies on Islamic and Western Law, 5(2), pp. 139-170. doi: 10.22091/csiw.2019.3413.1424 [In Persian]

Shahbazi M. H., akbari M., hajian H. (2023). 'A Study of lost of profit in Jurisprudence Civil Procedure 1379 Criminal Procedure 1392', The Judiciarys Law Journal, 87(121), pp. 115-144. doi: 10.22106/jlj.2022.544864.4578 [In Persian]

Shoarian, E., Molaei, Y. (2011). 'The Basis of Mitigation of Damage Principle: A Comparative Study', Jurisprudence and Islamic Law, 2(2), pp. 131-155. [In Persian]

Sokouti, R., Shomali, N. (2011). 'The Position of Loss of Profit in Iranian Legal System', Jurisprudence and Islamic Law, 2(2), pp. 79-98. [In Persian]

Soleymani A, Memariyan S (2012) . The Relationship between Economic Value and Accounting Value with Return on Equity Outstanding Firms in Tehran Capital Market. 3; 12 (7 and 8) :75-92, URL: <http://ejip.ir/article-1-472-fa.html> [In Persian]

Vaez S. A., bonabi ghadim R. (2021). 'Earning Quality: Great accounting challenge', Accounting and Auditing Studies, 10(38), pp. 23-38. doi: 10.22034/iaas.2021.134532 [In Persian]

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited